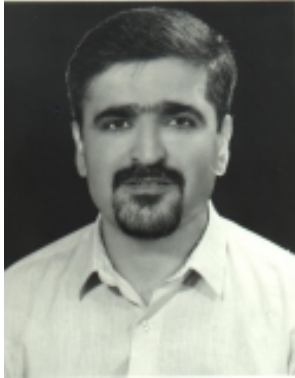


حقوق مدنی و مبارزات جاری

مصاحبه رادیو انترناسیونال (بخش کردی)
با رحمان حسین زاده دبیر کمیته کردستان حزب



رحمان حسین زاده

رادیو انترناسیونال: جنب و جوشی برای متشکل شدن تحت نام "حقوق مدنی، کارهای فرهنگی و حقوق زنان و ... در شهرهای کردستان در جریان است. گرایشات سیاسی مختلف مثل گرایش ناسیونالیستی، گرایش چپ و رادیکال و حتی لایه پایینی ۲ خرداد در آن دخالت دارند. ارزیابی شما در این باره چیست؟

رحمان حسین زاده: اولین مسئله اینست که خود این جنب و جوش نشانه هرچه ضعیفتر شدن جمهوری اسلامی و پایان دوران قلدیش است. بخشهای مختلف مردم با جرات بیشتر پایه میدان گذاشته و کارگران، دانشجویان، جوانان، زنان و دیگر مردم معترض به شیوههای مختلف مطالبات برحق خود را طرح میکنند و دارند خود را سازمان میدهند. نکته دوم اینست که در ۲-۳ سال گذشته و در شرایط آن زمان، جمهوری اسلامی و جناح ۲ خرداد آن برای حفظ موقعیت رژیم تلاش کردند که تحت نام اقدامات

مدنی و فرهنگی" و "جامعه مدنی" فضا را کنترل کنند و نشریات و نهادهایی را هم ایجاد و سرهم بندی کردند. پروژه آنها در میان مردم مقبول نیفتاد و بویژه با بن بست فعلی دوم خرداد دیگر کار آنها به پایان خود رسیده است. مهره های رژیم و دوم خردادی این پروژه در کردستان که عبارتند از "فراکسیون نمایندگان مجلس" و استنادار و بعضی سردبیران نشریات کردی ماهیستان و همدستی شان با رژیم اسلامی بیش از پیش افشا شده و برخلاف ادعایشان در جبهه ضد مردم هستند. به همین دلیل کار به جایی کشیده که بخش پایینی و تازه کار و متوهم به ۲ خرداد از آنها فاصله گرفته اند و دنبال اقدامات دیگر و راه دیگری هستند. با در نظر گرفتن دو فاکتور بالا این تحرک گسترش پیدا کرده و فرصت مناسبی است که فعالین چپ و رادیکال با اقدامات روشن برای ایجاد تشکلهای و نهادهای اجتماعی و جا افتاده در میان مردم اقدام کنند. میتوان "جنبش

سازماندهی میکنیم، تشکل توده ای را بنیاد می نهم، با این گرایشات روبرو هستیم و حضور دارند. مشخصا در کردستان سنت و سیاست ناسیونالیستی و سنت و سیاست کمونیستی در هر حرکت توده ای خود را نشان میدهند، با هم تقابل میکنند و این جزو ثابت تاریخ مبارزه دو دهه اخیر بوده است. پس وجود گرایش سیاسی مختلف در این حرکات و هر حرکت توده ای نه تنها نباید مانع دخالتگری فعالین کمونیست و رادیکال شود، بلکه مبرمیت حضور آنها را برای ناظر کردن سیاست رادیکال دو چندان میکند. فعالین و نمایندگان هر گرایش و حزب سیاسی با هدف جا انداختن سیاست جریان خودشان در این مبارزات شرکت میکنند و چپها و کمونیستها همین کار را کرده و میکنند. و از این طریق هدایت این مبارزات و تشکلهای را در دست میگیرند. اما در مورد عوامل و عناصر رژیم مادام که حرکتی یا تشکلی که علنا فعالیت میکند در خط رژیم نباشد و همگان تفاوت و فاصله آن را با رژیم دم و و

صفحه ۲

دفاع از حقوق مدنی و شهر وندی" گسترده ای را حول آزادی بیان و عقیده، و تجمع و تشکل، حقوق کودکان و زنان و آزادی زندانیان سیاسی و ... راه انداخت.

رادیو انترناسیونال: وجود گرایشات سیاسی مختلف و همچنین حضور طرفداران رژیم و ۲ خرداد آیا مانعی برای حضور و دخالت فعالین رادیکال و چپ نیست؟

رحمان حسین زاده: دو موضوع را به تفکیک بحث کنیم. اول وجود گرایشات سیاسی و نظرگاه و پلاتفرم سیاسی جداگانه در جامعه طبیعی است و در جنب و جوشهای سیاسی هم انعکاس دارد. وقتی در دانشگاه، مدرسه، محله و مرکز کار، یا در میان زنان و جوانان و حتی کارگران حرکت سیاسی و مبارزه علمنی را

تعدیل نیرو در مراکز کار و ادارات و شرکتهایی که دولتی هستند و یا دولت در آنها سهمی دارد در همه جا دارد اجرا میشود. تعدیل نیرو یعنی بیکار کردن کارگران و کارکنان. این تعدیل در درجه اول تعداد

صفحه ۲



تشکیل مجامع عمومی و اعتراض، راه حل مبارزه بر علیه بیکارسازیهاست

اسد گلچینی

جنگ پکک و اتحادیه میهنی

صفحه ۳

خودکشی راه چاره نیست

صفحه ۳

مقام اسلام

نزد جوانان

صفحه ۴

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹

مرکز اطلاعات و پیامگیر

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷

ایسکرا

سردبیر: حسین مرادیگی

تلفن:

۰۰۴۶ ۷۰ ۷۷۷ ۸۰۹۸

آدرس:

K.F.K.S

Box 15203

104 65 Stockholm

پست گبرو ۲_۱۶۷۸۴۷۱

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

حقوق مدنی و

مبارزات جاری...

دستگاهش لمس کنند، وجود عوامل و عناصر رژیم نمیتواند مانع فعالیت و حضور انسانهای رادیکال در این جریان و حول مبارزه برای مطالبات عدلنا مشروعی شود که در سطح جامعه مطرح است. طبعاً برای منزوی کردن و حاشیه‌ای کردن و بیرون انداختن عوامل رژیم در این حرکات باید کوشید.

رادپو انترناسیونال: در شرایط فعلی و با در نظر گرفتن محدودیتهایی که هنوز از جانب رژیم و جریانات ارتجاعی اعمال میشود، جنبش دفاع از حقوق مدنی و شهروندی و تشکلهای و نهادهای علنی که ایجاد میشوند. اگر بخواهد در خدمت اهداف مردم باشد با چه خصوصیاتی باید تداعی شود؟

رحمان حسین زاده: به نظرم در فضای سیاسی کنونی کردستان لازمست این خصوصیات را از خود نشان دهند.

- به روشنی فاصله و دوری آن از رژیم و عوامل و نهادهای مربوطه‌اش معلوم باشد و برای همه معلوم باشد نه تنها ربطی به رژیم ندارد بلکه با ابتکارات مناسب خلاف اهداف رژیم حرکت کردن آنها مشهود است.

- مخالفت آن با نمایندگان رسمی رژیم در کردستان و دخالت‌هایشان در اینکارها، ویا "فراکسیون نمایندگان مجلس" و استنادار و ... معلوم باشد.

- صف خود را از حرکت ناسیونالیستی و سنت و فرهنگ و سیاست آن جدا کنند. ماهیت جریانات ارتجاعی ناسیونالیستی و نهادهایی مثل "انستیتیوی کرد" و نهاد "کردهای مقیم تهران" و تحرک فرهنگی ناسیونالیستی به بهانه‌های مختلف را افشا کنند.

مشخصاً ماهیت ارتجاعی جریانی مثل پ-کا-کا و اقدامات خرافی "آحیا هویت کردی" و علاوه بر آن همدستی و مزدوری آشکارش با رژیم جمهوری اسلامی را رسوا کنند.

- علیه مذهب گام جدی بگذارد. آنتی مذهبی عمل کردن به شدت مورد استقبال قرار میگیرد. در کردستان عده‌ای تحت نام "سنی‌گری" می‌خواهند بر ته‌مانده‌های احساسات عقب مانده مذهبی سرمایه‌گذاری کنند. کار آنها را افشا و ناکام کنند

- بر حقوق انسانی، آزادیخواهی، مدرنیسم و مطالبات و فرهنگ و سنت پیشرفته پافشاری کنند و در اینموارد خلاف جریان حرکت کنند.

رادپو انترناسیونال: فعالین کمونیست و رادیکال در این فضا و در ارتباط با تحرکی که موجود است میتوانند چه کارهایی بکنند؟ توصیه شما به فعالین حزب کمونیست کارگری چیست؟

رحمان حسین زاده: به نظرم خیلی کار. همه میدانیم که فضای سیاسی تغییر کرده و تمایل توده مردم، اعم از کارگران، زنان، جوانان، دانشجویان و محصلین، روشنفکران و مردم ناراضی به انتخاب سیاست رادیکال و مبارزه قاطع با جمهوری اسلامی بسیار بیشتر شده است. در این فضا و موقعیت کمونیست‌ها و انسانهای رادیکال میتوانند مبتکر حرکت آزادیخواهانه بزرگ باشند. امروز خودمان شاهدیم که مردم با هر بهانه‌ای و در هر فرصتی علیه تحمیلات و اجباریات و هر نشانه‌ای از رژیم مقابله میکنند، به انجا مختلف در مورد قوانین و اوامر و عوامل رژیم سرپیچی میکنند. یعنی همان چیزی که به عنوان "نافرمانی مدنی" جا افتاده، واقعا روزانه دارد گسترش پیدا میکند. بر این اساس

تشکیل مجامع عمومی...

این بیکارسازیها واگذاری این مراکز به بخش خصوصی است. در سراسر ایران این سیاست هم اکنون جاری است. در سنندج تقریباً در همه شرکتها، ادارات و کارگاههای کوچک و بزرگ این سیاست اجرا شده است. بسیاری حکم اخراج گرفته اند، تعدادی بازخیرید شده اند، اما اعتراض شدیدی در همه این مراکز و فراتر از آن در سطح جامعه به این سیاست نیز وجود دارد. در طول دو ماه گذشته تجمعهای بسیاری از سوی کارگران و کارکنان این مراکز و شرکتها صورت گرفته و نامه های متعددی به مقامات رژیم نوشته شده است. هم اکنون مبارزه و اعتراض کارگران شهرداری، جهاد تعاون، جهاد نصر، کارخانه شاهو، نمک کوبی بلورین، نساجی کردستان، اداره برق، کارخانه گونی بافی، آموزش و پرورش، بیمارستانها، سازمان آموزش فنی و حرفه ای، کارخانه میخ و... در جریان است.

علاوه بر خیرهای قبلی در این مورد همین روزها ۴۵ نفر از کارگران جهاد نصر را بیکار کرده‌اند و ۱۰۰ نفر دیگرشان هم که کارگر و کارمند میباشند را قرار است اخراج کنند.

در اداره برق سنندج ۳۰ تا ۴۰ نفر کارگر و کارمند قرارداد وجود دارد که میخواهند آنها را تعدیل کنند. در آموزش و پرورش و بیمارستانهای شهر ۱۰۰ نفر مشمول این بیکارسازیها شده اند. در سازمان آموزش فنی و حرفه ای بیشتر از ۴۰ نفر از کارکنان و کارگران که مدیر و مربی و کارگران مدارس هستند و اکثراً زن هستند و در شهرهای سنندج، مریوان، سقز، بانه

و کامیاران اشتغال دارند حکم اخراج گرفته اند.

واگذاری کارخانه ها، بخشی از ادارات و بخشهای خدماتی شهر از طرف دولت به سرمایه داران در بخش خصوصی بشدت موجب نگرانی همه کارکنان و خانواده هایشان شده است چرا که این مستقیماً به معنای بیکار کردن بخشی از کارکنان و پایین رفتن حقوق و مزایای آنهاست و این شرایط بشدت افسار گسیخته تری را بر کارگران و کارکنان تحمیل میکند. راه حل این است که همه این مراکز در رابطه با هم قرار گیرند، حتی با دیگر شهرها که بیکار سازیها در آنجاها جاری است تماس گرفته شود، بهردرجه که میتوان باید مبارزه هماهنگی را بر علیه این حمله به کارگران و مردم تهدیدست سازمان داد. باید محلهای زندگی و کار همواره محل تجمع کارگران و مردمی باشند که از این اخراجها دچار مصیبت به مراتب بیشتری میشوند. هیچ وعده توخالی نماینده مجلس رژیم و دیگر مزدورانش را نباید قبول کرد. باید کارگران و کارکنان اخراجی فوراً و بدون قید و شرط به سر کار برگردند و یا بیمه بیکاری مکفی به آنها تعلق بگیرد. این مشکلی است که امروز جامعه نسبت به آن بی توجه نیست و مورد حمایت وسیع مردم قرار میگیرد. مجامع عمومی خود را بر پا کنید و تصمیم بگیرید که در برابر این وضعیت چه باید بکنید. اعتراض و تشکیل مجامع عمومی راه حل موثری برای مقابله با این وضعیت است.

به

**حزب کمونیست
کارگری ایران
پیوندید**



ایرج فرزاد

باز هم در باره جنگ پکک و اتحادیه میهنی

عین حال از طریق تبلیغات مسموم اینها با کمک دولتهای منطقه، پان کردیسم و نفرت پراکنی ملی و نژادی دامن زده میشود. پکک در کردستان ایران به کمک رژیم اسلامی از میان جوانان برای گسترش نفوذ حکومت ایران نیرو بسیج میکند، مبلغ فرهنگ مذهبی و ارتجاعی و سنن عقب مانده است و علیه گرایش چپ و کمونیستی به سمپاشی ادامه میدهد. ناسیونالیسم اسارتبار و در تناقض با مبارزه مردم علیه ستمگری است. مبارزه با خرافه ناسیونالیسم و علیه باد زدن به کینه‌توزی ملی- نژادی بخش مهمی از اهداف کمونیسم کارگری است. ما مردم را فرا میخوانیم که در منزوی کردن جریانات ناسیونالیستی جریانشدند و در رابطه با توطئه مشترک ناسیونالیست و دولتهای منطقه هوشیاری خود را بالا ببرند. مردم و جوانان را فرا میخوانیم که به کمونیسم کارگری بپیوندند و علیه ناسیونالیسم کرد فعالانه‌تر تلاش کنند. ناسیونالیسم با آزادیخواهی و برابری طلبی در دو قطب مخالف همدیگر قرار دارند. ■

بعد از فروپاشی اردوگاه شوروی سابق بوده است. ناسیونالیسم کرد با این کارنامه چندین ساله نشان داده است که خود تبدیل به یک مانع جدی در راه حل مساله ملی شده است. نیروهای که از توان ضد کمونیستی بالایی برخوردارند و میتوانند چون بازوی "خودی" دولتهای منطقه، علیه آزادیخواهی، کمونیسم و چپ عمل کنند. اینها اسلام و فرهنگ اسلامی را به عنوان فرهنگ و سنن دیرین "ملت کرد" به مردم تحمیل میکنند، ارتجاعی‌ترین عناصر و پوسیده‌ترین افکار ضد انسانی را بعنوان چهره‌ها و سیما و هویت "کردایه‌تی" از قعر تاریخ بیرون میکشند و بر سرنوشت مردم حاکم میکنند، مبلغ مزدوری برای دولتهای منطقه و بازوی محلی باز کردن پای این نیروها برای دخالت در سرنوشت مردم کردستان هستند. همین چندی پیش بود که "مام جلال"، در مراسم افتتاح یک مسجد با حضور "علمای اسلام"، اعلام کرد که کردها به "امت اسلام تعلق دارند!" در

باز گذاشت. پکک عمدتاً نیروئی در خدمت رژیم اسلامی ایران قرار گرفت و ظرفیت ضد کمونیستی و ضد مدرنیستی خود را در راستای اهداف ارتجاعی جمهوری اسلامی قرار داد. در این رابطه هیاتی از فرماندهان سپاه پاسداران به ملاقات جلال طالبانی رفتند تا او را از عواقب چرخیدن به سمت ترکیه مطلع کنند، در همان حال فراکسیون نمایندگان کرد مجلس شورای اسلامی و از جمله آنها بها ادب، برای فشار به ترکیه، جنگ پکک و اتحادیه میهنی را به نفع خود ارزیابی نکردند و در این رابطه خواهان صلح و آشتی بین "برادران کرد مسلمان" شدند. تلاش‌های "شخصیت‌های" مستقل کرد، برای میانجیگری بین پکک و اتحادیه میهنی، فعلاً و تا زمانی که جلال طالبانی ارباب قابل‌تری از ترکیه را تشخیص ندهد، به بن بست برخورده است. راه رفتن روی لبه‌های تیز و تبدیل شدن به چوب "دو سرطلا"، وصف حال ناسیونالیستهای کرد در چندین سال اخیر و بویژه

تمام موجودیت این احزاب جز این نبوده است: نیروی ذخیره‌ای که هر گاه تناسب قوا ایجاب کند به سادگی میتوانند، آلت دست یکی از حکومت‌های منطقه علیه دیگری باشند. جنگ ایران و عراق تازه آغاز شده بود که جلال طالبانی اعلام کرد: "تمام نیروهای ما در اختیار امام میگذازد!". و احزاب ناسیونالیست - عشایر کرد جز پارسنگهائی در ترازوی توازن قوا و تضاد منافع دولتهای منطقه چیز دیگری نبوده اند. رهبران پکک در همان حال که به حکومت ترکیه آتش بس داده و جنگ مسلحانه را بعد از ماجرای ربودن و زندانی کردن اوجلان با ترکیه خاتمه یافته اعلام کردند، اما بعنوان نیروئی که همین خاصیت پارسنگ را دارد، بی‌کار ننشستند و توان و قدرت خود را در اختیار عراق و عمدتاً رژیم ایران قرار دادند. رژیم اسلامی ایران برای اینها مراکز آموزش نظامی دایر کرد، رادیو در اختیارشان گذاشت و در بسیج نیرو از میان جوانان کم سن و سال کردستان ایران دست آنها را

کانالها و سایت‌هایی که اخبار مربوط به کردستان را تعقیب میکنند، چندی پیش از ورود نیروهای ارتش ترکیه به منطقه تحت نفوذ اتحادیه میهنی خبر دادند. یاری طلبیدن جلال طالبانی از ارتش ترکیه در جنگ با پکک مورد حمایت حزب دمکرات کردستان عراق نیز قرار گرفت. در همان حال رژیم اسلامی ایران که اتحادیه میهنی را در حمایت خود دارد و از طریق آن علیه چپ و کمونیسم در منطقه عمل میکند، از اینکه سران اتحادیه میهنی ارباب دیگری را هم زمان برای خود انتخاب کردند، به چاره جوئی پرداخت. رژیم‌های ایران و عراق و ترکیه، ظرفیت جریانات ناسیونالیست کرد را در کردستان عراق میشناسند، میدانند که اینها در شکافهای منطقه و در اختلافات بین این حکومتها، میتوانند به بازی گرفته

خودکشی راه چاره نیست جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد!

طه حسینی

در سال ۱۳۷۸، ۱۱۶ نفر خودکشی کرده اند که ۶۰ نفر زن و ۵۶ نفر مرد بوده است. و در سال ۱۳۷۹ (۹ ماهه اول) ۱۲۸ نفر خودکشی کرده اند که ۹۰ نفرشان زن و ۳۸ نفر بقیه مرد بوده اند.

اکثریت قریب به اتفاق کسانی که در این سه سال خودکشی کرده اند سن آنها بین ۱۸ تا ۲۵ سال بوده است.

صفحه ۴

اسلامی است. برای نمونه آمار رسمی دولتی در مورد خودکشی‌ها در شهر بوکان در ۳ سال گذشته نشان میدهد که ابعاد مصیبت و فلاکت مردم چقدر بالا رفته است و چقدر دست مذهب و سنت‌های کثیف و ارتجاعی اسلامی در دخالت در زندگی زنان جوان باز بوده است. در سال ۱۳۷۷، هیجده نفر خود کشی کرده اند. ۱۰ نفر زن و ۸ نفر مرد.

این وضعیت هستند. زیر سایه قوانین اسلامی عادت و سنت‌های بمراتب کثیفتری در میان خانواده‌ها و بویژه نزد مردان اعم از پدر و برادر و شوهر وجود دارد که بکار گرفتن آنها بمعنی خودکشی یا کشتن دختر، خواهر و یا همسر میشود. آمار خودکشی جوانان و بویژه زنان در ایران را هم مرتب میشنوید. عامل اصلی این وضعیت وجود حکومت

نیستند تا زندگی دوران جوانی خود را داشته باشند و بنا به میل و رغبت خود حتی ازدواج کنند و معمولاً ازدواج‌ها نیز بر اثر فشارهایی است که ناخواسته بر آنان تحمیل میشود. بویژه دختران جوان و زنان بیشترین قربانیان

مشکلات بسیار زیاد زندگی تحت حاکمیت سیاه رژیم اسلامی باعث مرگ انسانهای بیشماری گردیده است. بیکاری و اعتیاد و فحشاء، هر روزه زندگی هزاران انسان جوان را تباه میکند. جوانان آزاد

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



اسد نودینیان

مقام اسلام نزد جوانان

مدافعین‌اش را برای حفظ اسلام در قدرت به هذیان گوئی کشانده است. اینها مبارزات زنان و دختران را علیه حجاب اجباری، مقاومت جوانان را در مقابل انواع تضییقات و فشارها و اکنشهای منفی جوانان به رفتارهای اجبار گونه "قلم داد" میکنند و به زعم این حضرات "اگر با روشهای پر جاذبه ای برای انتقال فرهنگ اسلامیشان بکوشند راه چاره بحرانشان را یافته اند، و خلاء هویتی جوانان را پر کرده اند."

سوال این است که چرا مدتی است سران ریز و درشت رژیم، چه از جناح راست و یا دو خردادی، چه کیهان شریعت‌مداری بازجو و شکنجه‌گر و چه طرفداران دمکراسی اسلامی، مدام از بیگانه شدن جوانان با اسلام و دین حرف میزنند و در این باره هشدار میدهند؟ مگر اسلام چه بر سر جوانان آورده بود که اکنون با اسلام گریزی جوانان، داد اینها به آسمان بلند شده است؟ و همه آنها بیست سال حاکمیت اسلام شان را مرور میکنند. میدانند که خیلی از جوانان و کودکان خردسال را در هشت سال جنگ با عراق روی مین فرستادند تا "

و باید آنرا همانگونه که هست پذیرفت." اینها اعتراف می کنند که در مدارس و اجتماع نیز "این نهادها با توسل به فاکتورهائی چون گزینش و نمره انضباط و از این قبیل جلوه نمائی دینی کرده اند اما به دلیل سطحی و ظاهری بودن این گرایشات به عمق برآمدن تاریخ جوانان این فاکتورها جوانان حتی دست به رفتارهای به زعم خود در واکنش با رفتار اجبار گونه این نهادها زده اند،"

این اعترافات به اندازه ای گویا هست که عمق ناخوانی جامعه اسلامی را با زندگی جوانان و زندگی انسانی نشان دهد. اینها دارند از دین گریزی نسلی سخن میگویند که در دوران حاکمیت این حضرات چشم به دنیا گشوده و یا وارد جامعه شده‌اند. نسلی که رژیم اسلامی با تمام توانش سعی کرده است از ممنوعیت ماهواره گرفته تا بستن مرزها آنها را در چهارچوب افکار حجج اسلام و زیر سلطه خوف امامان و عقاید عهد عتیق نگاه دارند. دین گریزی و اسلام ستیزی این نسل است که امروز ریزه خواران جمهوری اسلامی را واداشته است اینچنین به عجز و لابه بیافتد و

روزنامه جامعه مدنی در شماره ۱۳ شنبه ۳ دی ماه خود در مطلبی به قلم سهیلا بیکار خانی از دین گریزی جوانان گلایه کرده است و با مدد گرفتن از "تحقیقات" محققین و روانشناسانی در این زمینه به واقعیت اجتماعی دردناکی برای رژیم جمهوری اسلامی که با بیست سال اختناق و تلاش در جهت ایجاد نسلی با فرهنگ اسلامی کوشیده است، اعتراف کرده است. اکنون این نوع "دلسوزان اسلام و نظام"، در کمال زبونی شکست خود را جار میزنند. همه اعتراف می کنند که دو دهه حکومت مذهبی، دو دهه تضییقات و فشار و اختناق و شمشیر چرخانی و عربده کشی اسلامی، دو دهه دخالت در گوشه و زوایای زندگی جوانان، نتیجه‌ای نداده است. می گویند: " جوانان در بیان برداشتشان از دین تعریف مبهمی دارند" و "تنها چیزی که از دین می شناسند باید‌ها و نباید‌هاست نباید در مسائل دین فضولی کرد

مشتی روضه خوان بمانند، در حالی که حضرات وزرا و وکلای حکومت اسلامی در این واپسین روزهای حاکمیت خود، دارند مدام از "خطرات" فروپاشی رژیمشان دم میزنند. دین گریزی و اسلام گریزی جوانان رابطه مستقیمی با وضعیت متزلزل رژیم اسلامی دارد.

حضرات! تلاشهایتان بیهوده است. به جایی نمی رسید، نسلی را که پرشور و با نشاط برای زندگی خود در صف مبارزات دانشگاهها و اعتراضات هرروزه مردم کوچه و بازار قرار دارد، دیگر نمی توانید به پای منبرها و روضه‌خوانیهای صحرای کربلا بکشانید. تلاش شما برای تغییر مسیر علاقه و دلبستگی جوانان از اینترنت و فیستیوالهای بزرگ و مدرن و MTV و کانالهای ماهواره‌ای به زندگی قبایل ۱۴۰۰ سال قبل فقط میتواند احمقانه نام گیرد. در میان این نسل و در جامعه ایران، حزبی مدرن، پیشرو و انقلابی، با برنامه‌های برای ساختن جامعه‌ای آزاد و برابر و انسانی دارد بطور فوق‌العاده‌ای ریشه میدواند. قدرت کمونیسم کارگری و درجه نفوذ کلام آنرا نمیتوانید کاری بکنید. دست از اراجیف قرون وسطائی و خطبه‌های خواهران زینب و مزخرفات امامان "معصوم" تان بردارید. فکری به حال خودتان بکنید، اسلام و قوانین اسلامی و حکومت مذهبی از سکه افتاده است. رژیم اسلامی سقوط میکند و فردا این جوانان خواهند بود که میزان پاسداری شما از حاکمیت اختناق اسلامی را ملاک رفتار با شما قرار خواهند داد ***

امام زمان" را ملاقات کنند و بهشت بروند. میدانند که برای خدمت به اسلام و با گرو گرفتن نان مردم، جوان خانواده‌های مردم زحمتکش را در ازاء پول در سپاه و بسیج به خدمت گرفتند و به جان مردم انداختند، میدانند انواع نهادهای تحمیق را راه انداختند که انرژی و استعداد جوانان را به مسیر کلاسه‌های قرآن و پامنبری یک مشت آخوند و روضه خوان بکشانند. آن دوره‌ها بعداز پایان جنگ ایران و عراق، سیری رو به پایان طی کرد. اختناق و سرکوب رژیم، موج وحشتناک اعدامها و بگیر و ببندها، زن ستیزی و کینه توزی به شادی و روابط آزاد بین دختر و پسر نتوانست نسل جوان را مرعوب کند. نسلی که تازه در مراحل آغازین زندگی خویش است، و هنوز سالهای زیادی را پیش روی دارد، به دور و بر خود نگاه میکند، جهان پیرامون خود را میبیند و زندگی جوانان در کشورهای دیگر را با زندگی خود مقایسه میکند. این جوانان در جامعه‌ای پا به جهان گذاشته‌اند که زندگی به شیوه و سبک کشورهای غربی در آن عمیقا ریشه دوانده است. کند شدن سلاح ارباب و سرکوب حکومت اسلام، مجال بروز این گرایش قوی را در میان جوانان ایران ممکن کرده است. وضع طوری است که علاقه به زندگی غربی و تنفر از سلطه حکومت شرع، به درون خانواده‌های سران رژیم هم سرایت کرده است. نمیتوان کماکان از جوان خانواده کارگر و زحمتکش خواست که سر بزیر و مطیع، شنونده چرندیات جماعتی آخوند و

لیست کمکهای مالی به کمیته کردستان

- بهمن خانی ۱۱۰۰ گیلدن
- نوری کریم ۱۸۰۰ کرون
- هلاله طاهری و بهزاد یوسینی ۳۰۰ کرون
- گل باغ سلیمی ۱۰۰ کرون
- اسد نودینیان ۲۰۰ کرون
- علی ویسی ۶۰۰ کرون

در شماره ۳۲ بجای علی ویسی امین ویسی نوشته شده بود، از علی ویسی پوزش می‌خواهیم.

پرستی را از بین برد. باید صف قدرتمند سرنگونی جمهوری اسلامی را در ابعادی اجتماعی شکل داد. حزب کمونیست کارگری در خط مقدم این صف است. همه کارگران و زنان و جوانان را فرامیخوانم که به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندند تا هر چه زودتر رژیم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و جامعه ای آزاد و برابر برای همه انسانها برقرار کنیم.

خودکشی راه چاره نیست...
تنها در دو ماه گذشته و بیشتر بخاطر ناموس‌پرستی پدر، برادر و یا شوهر، ثوبه شریفی، طوبی حسینی، آرزو کاک اله زاده، کلثوم عبدالله زاده، خرامان مولودی و نیشتمان کلانتری خودکشی کرده اند. چاره خودکشی نیست، باید بجای خودکشی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و سنتها و اخلاقیات کثیف مرد سالارانه و ناموس

کمیته کردستان

رحمان حسین زاده، دبیر کمیته ۸۳۷ ۸۵۵ ۷۳۹ ۰۰۴۶
 Fax: 0044 870 133 7209
 Email: r_hoseinzadeh@yahoo.com